تبدیل جزء مستحبی به واجب تخییری، در کلام صاحب جواهر

مطلب دیگر؛ ایشان در جلد هفتم می‌گویند ای جزء فرد است ای جزء ماهیت است. مطالبی که دیدهام را خدمت شما عرض می‌کنم. مرحوم صاحب جواهر هم همین را دارند اما با یک تحلیل دیگر. جواهر، جلد نهم، صفحه 243.

بحث ایشان در این است که قیام در حین قنوت به چه صورت است. بحث‌های خوبی است. دیگران اشکالی کرده‌اند و ایشان جواب می‌دهند؛ اینکه قیام در حین قنوت مستحب باشد یا واجب باشد مانعی ندارد. تا اینجا که مقصود من است:

> **بل يمكن أن يقال : إنه لا جزء مندوب في الصلاة أصلا ، ومرجع الجميع إلى أفضل أفراد الواجب التخييري**[1]

«بل يمكن أن يقال : إنه لا جزء مندوب في الصلاة أصلا»؛ چطور در نماز جزء مستحب داشته باشیم با اینکه نماز واجب است؟ یعنی در این نماز واجب، به چه صورت است که جزئی داشته باشیم اما جزء مستحبی باشد؟ اینکه نمی‌شود. پس چطور است؟ **«ومرجع الجميع إلى أفضل أفراد الواجب التخييري»؛** ایشان می‌گویند نماز واجب تخییری است، شما می‌توانید یک واجب را به‌صورت صلات با قنوت انتخاب کنید. یا فرد دیگری از واجب تخییری که صلات بدون قنوت است را انتخاب کنید. این تحلیل ایشان است. یعنی اجزاء مستحبی را از استحباب بیرون بردند و آن‌ها را به واجب تخییری برگرداندند.

مرحوم آقای حکیم در مستمسک از این بحث می‌کنند. من از ارجاع ایشان به جواهر رفتم. در آن جا می‌فرمایند: «والعجب من شیخنا». البته در بحث دیگری است. می‌فرمایند ما می‌گوییم اصلاً اجزاء مستحبی، جزء نیست. نه اینکه جزء هست و وقتی آن‌ها را می‌آوری متصف به «علی وجه الوجوب» است. چرا؟ چون این فرد از واجب را تخییر کرده‌اید. ایشان هم می‌گویند اصلاً جزء نیست.

پس ببینید فضای بحث، فضایی است که در میان بزرگان فقها، یکی می‌گوید جزء مستحبی واجب است اما از باب افضل الافراد التخییریه. یکی می‌گوید کلاً جزء نیست. و حال اینکه به گمان من هر دو تحلیل خلاف ارتکاز نوع متشرعه است. اینکه بگوییم از اول واجب، چند فرد دارد و می‌توانیم انتخاب کنیم. وقتی من نماز با قنوت خواندم، قنوت را به وصف وجوب می‌آورم، چرا؟ چون کل آن باید واجب باشد! این خلاف ارتکاز است.

شاگرد: صاحب جواهر می‌فرمایند قنوت جزء فرد تخییری است؟

> **11:40**

استاد: بله، افراد واجب تخییری است. یعنی واجب تخییری است، نماز واجب تعیینی و یکی نیست، بلکه مخیر هستید. مثل در صوم و عتق چطور مخیر هستید، در اینجا هم بین صلات مع القنوت و صلات بلاقنوت مخیر هستید. بعد می‌گوییم افضل الفردین کدام است؟ عتق افضل است یا صوم؟ مثلاً می‌گوییم عتق افضل است. در اینجا هم می‌گویند دو فرد صلات هست و افضل صلات با قنوت است.

شاگرد: ایشان چطور به اشکال جزء و فرد پاسخ می‌دهد؟

استاد: می‌گویند واجب است. در ادامه می‌گویند: **«وإلا فلا يتصور انتزاع كليات هذه الأجزاء وتسميتها باسم الصلاة وجعلها متعلقة الأمر الوجوبي مع ندبية بعض الأجزاء»؛** آن اجزاء هم باید واجب باشند.

شاگرد: وقتی نمازی را انتخاب کرده که قنوت دارد، آن قنوت در اینجا جزء این فرد است؟ که درایصورت نیاز به جامع دارد. یا یکی مندوبی در ظرف واجب است؟ شما می‌فرمایید نماز با قنوت و نماز بدون قنوت، خُب این با قنوتش به چه معنا است؟

استاد: ببینید ادامه آن نکته‌ای دارند که نکته خوبی است. من ذیل فرمایش مرحوم حکیم در جلد هفتم هم می‌خواستم آن را عرض کنم. قبل از اینکه آن را در جواهر ببینم، ذیل فرمایش مرحوم حکیم در ذهن من هم آمد. می‌فرمایند:

> **ودعوى أن القنوت ونحوه من الأجزاء المندوبة أجزاء للفرد لا أجزاء لمسمى الاسم ، وإن أطلق فهو من التسامحات يدفعها فرض البحث في كون ذلك وأمثاله من أجزاء مسمى الاسم حقيقة ، لا الفرد الذي لا يطلق عليه الاسم إلا باعتبار حلول الطبيعة فيه ، فتأمل جيدا**[2]

«و دعوى أن القنوت ونحوه من الأجزاء المندوبة أجزاء للفرد»؛ اگر بگویید قنوت جزء فرد صلات است، نه جزء طبیعتی که مانند عتق و صوم باشد...؛ ما سه-چهار نماز داریم که بین اینها مخیر هستیم؛ پس نماز با قنوت، یک نماز است که واجب است اما احد الافراد الواجب. ایشان می‌گویند سراغ فرد نروید.

«و دعوى أن القنوت ونحوه من الأجزاء المندوبة أجزاء للفرد لا أجزاء لمسمى الاسم»؛ که ایشان از باب وجوب تخییری پذیرفتند، «وإن أطلق فهو من التسامحات يدفعها فرض البحث في كون ذلك وأمثاله من أجزاء مسمى الاسم حقيقة»؛ یعنی

---

[1] جواهر الكلام نویسنده : النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن جلد : 99 صفحه : ۲۴۳

[2] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 3 مه 2026 12:25:35 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 مه 2026 12:37:40 توسط ... .